

شنوای حق کر گردد. تعصب لجاجت به بار می‌آورد و در چنین حالتی، فرد انگیزه برای پذیرش حق را از دست می‌دهد، چون گروه، حزب یا قوم و قبیله یا فرقهٔ خود را مساوی حق می‌شمارد. خطر این حالت آن قدر جدی و بزرگ است که ممکن است باعث گمراهی و شقاوت ابدی گردد.^۱ تعصب که با خود لجاجت در برابر حق‌شنوی و حق‌پذیری را به دنبال می‌آورد، ویژگی مهمی را بروز می‌دهد و آن گردن‌کشی در برابر همهٔ منابع و مراجع حق است. گروه یا قوم یا ملت یا حکومت مستکبر در برابر حق خضوع نمی‌کند و در برابر منبع و معیار حق گردن‌کشی و نافرمانی می‌کند. قرآن کریم این ویژگی را «استکبار» نامیده است. قرآن به روشنی می‌گوید متعصبان و مستکبران، با وجود شناخت از حق، از پذیرش آن سر باز می‌زنند: **«وَجَحَدُوا إِلَيْهَا وَاسْتَيْقَنْتُهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ**^۲؛ آیات الهی را از روی ستمگری و کبر و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند. ریشهٔ آشوب‌ها و تفرقه‌ها، دسیسه‌ها و سرکوب‌ها، جنایت‌ها و خون‌ریزی‌ها، محرومیت‌ها و ستمگری‌ها و در یک کلمه، بحران‌ها و تراژدی‌های اجتماعی - سیاسی، عصیت، جاهلیت و تکبر است. امام علی علیه السلام خطرهای ویرانگر تعصب، نخوت و استکبار را برای شکوفایی و سلامت جامعه و خوشبختی و رستگاری اعضای جامعه، با تحلیلی عمیق و سخت تأمل برانگیز، تبیین می‌فرماید. امام علی علیه السلام خصوصیات این افراد اهربیمنی را با سه عنصر بیان می‌فرماید: «فَقَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَرْيَنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا غُوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ قَذْفًا بِغَيْبٍ بَعِيدٍ وَرَجْمًا بِظَنِّ ۖ ۱۳۷ عَيْرٌ مُصِيبٌ صَدَقَهُ بِهِ أَبْنَاءُ الْحَمِيمَةِ وَإِخْوَانُ الْعَصِيَّةِ وَفُرْسَانُ الْكِبِيرِ وَالْجَاهِلِيَّةِ»^۳؛ به جانم سوگند شیطان تیر خطرناکی برای شکار شما بر چلهٔ کمان گذاشته و تا حد توان کشیده و از نزدیک ترین مکان، شما را هدف قرار داده، و خطاب به خدا گفته است: پروردگارا، به سبب آن که مرا دور کردی، دنیا را در چشم‌هایشان جلوه می‌دهم و همه را

۱. ملی‌گرایی/ ناسیونالیسم افراطی و باندباری/ تعصب حزبی دو جلوه مهم از تعصبات جمعی مدرن‌اند. نیبور دربارهٔ ملی‌گرایی افراطی مدرن می‌نویسد: «این گفتۂ جرج واشنگتن که ملت‌ها افزون‌تر از منافعشان مورد اعتماد نیستند یا گفتۂ نویسندهٔ آلمانی، یوهانس هالر، که هیچ ملتی، جز به خاطر منافع خودش، وارد هیچ مذاکره‌ای نشده، بیانگر همین خودخواهی است. وطن‌پرستی خودگذشتگی فردی را به خودپرستی ملی تبدیل می‌کند. این نوع طرفداری ناشایست، اساس قدرت ملی و جواز آزادی استفاده از قدرت بدون ملاحظات اخلاقی می‌شود، به این صورت که ناخودخواهی فردی در خدمت خودخواهی ملت‌ها قرار می‌گیرد. درنتیجه، بیشتر افراد جامعه، به‌ویژه در موقع بحرانی، دچار حس وطن‌پرستی افراطی می‌شوند و به نفع خودشان حکم می‌کنند (ر.ک: رینهولد نیبور، *انسان اخلاقی و جامعهٔ غیراخلاقی*).

۲. سوره نمل، آیه ۱۴.

۳. *نهج البلاغه*، خطبهٔ ۱۹۲ (معروف به «خطبهٔ قاصعه»).

گمراه خواهم کرد. اما تیری در تاریکی‌ها، و سنگی بدون نشانه‌روی، رها ساخت، گرچه فرزندان خودپسندی و برادران تعصب و خودخواهی و سواران مركب جهالت و خودپرستی او را تصدیق کردند.»

- تعبیر به «أَبْنَاءُ الْحَمِيمَةِ» کنایه از این است که آن‌ها به قدری آلوده به تکبر هستند که گویی فرزندان تکبرند.

- تعبیر «بِرَادْرَانْ عَصَبِيَّتْ» کنایه از ارتباط تنگاتنگ آن‌ها با تعصبات قومی و قبیلگی و مانند آن است.

- «وَفُرْسَانُ الْكَبْرِ وَالْجَاهِلَيْةِ» کنایه از آن است که آن‌ها آن قدر گرفتار کبر و جهل و غرورند که گویی بر مرکبی از جهل و کبر سوار شده‌اند و به پیش می‌تازند.

شخصیت مقابله انسان متعصب در قرآن کریم انسان حنیف است، فردی که دلی نرم و فکری آماده برای پذیرش حق دارد، فردی حق طلب و حقیقت جو.^۱ از منظر قرآن کریم، چنین فردی به نجات و رستگاری دست می‌یابد و به بالاترین مراتب توحید صعود می‌کند و به اوج سعادت ابدی می‌رسد. جالب است که خداوند سبحان همین حق خواهی و حق پذیری را در آیه سی‌ام از سوره سی‌ام، اصل فطرت و سرشت کمال طلب انسان معرفی می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلَّذِينَ حَنِيفِاً فِطَرَ اللَّهُ أَلِّي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا»^۲; پس روی خود را با حق‌گروی تمام، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را برابر آن سرشته است.» اخلاق و معنویت دینی با معرفی تقوا به عنوان تنها ملاک برتری و شرافت و نیز یادآوری این‌که اصل همه انسان‌ها از یک گوهر است و ترسیم کوچکی و فانی بودن انسان در برابر عظمت و جاودانگی حق تعالی، خودخواهی‌های فردی و تعصبات گروهی (نزادی، منطقه‌ای، جنسیتی، موقعیتی و تباری) را تعديل می‌کند. ارزشی متعالی که اسلام برای انسان‌ها قائل است موجب می‌گردد رفتارهای درستی در جامعه شکل بگیرد و به مرور زمان اخلاقیات متعصبانه و قبیله محور، جای خود را به اخلاقیات مبتنی بر مساوات، برادری و هم‌گرایی بدهد.

فلسفه نماز و رکوع و سجود در شریعت اسلامی تمرين همین خاکساری و فروتنی است.

۱. قرآن پژوه پراوازه، راغب اصفهانی، می‌نویسد: «حنیف از مادهٔ حنف و به معنای تمایل و گرایش از گمراهی به راه راست است، در مقابل جنف که به معنای تمایل و گرایش از راه راست به گمراهی است» (ر.ک: راغب اصفهانی، **المفردات**، مادهٔ «حنف»).

۲. سوره روم، آیه ۳۰.

فلسفه اتفاق‌ها و صدقه‌های واجب و مستحب در شریعت اسلامی، کنترل آزمندی، حرص و مالپرستی است و نیز فلسفه روزه توجه به نیازمندان و ایجاد روح برادری و همدلی با آنان است. توجه مکرر به نفس اماره و مکائد آن و لزوم کنترل هوای نفس و اصرار بر توبه و تطهیر در اخلاق اسلامی، انسان‌ها را متوجه شر و بدی‌هایی در درون خود می‌کند که در دشمنش می‌بیند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «أَعْدَى عَدُوٍكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيَّنَ جَنِينَكَ»^۱؛ دشمن‌تر از همه دشمنان، نفس اماره توست که در کالبد خودت قرار دارد. از این‌رو، جامی نیز در هفت اورنگ سروده:

ما بقی دشمن بروانی تو	نفس تو دشمن درونی تو
با کی از دشمن بروانی نیست	گر شود دشمن درونی نیست
چه غم از دشمنان آفاقی	نفس اگر نیست در درون باقی

از امام رضا علیه السلام نقل شده‌است که پیامبر خدا ﷺ یکی از اصحاب خود را دید که از مأموریتی جنگی که او را فرستاده بود برگشته است و با موهای زولیده و غبار سفر بر سر و صورت و جنگ‌افزار در میان، به سوی منزل خود می‌رود. حضرت ﷺ فرمود: «از جهاد اصغر برای جهاد اکبر برگشتی». عرض کرد: «آیا جهادی بالاتر از جهاد با شمشیر هم هست؟» فرمود: «آری، جهاد انسان با نفس خود.»^۲

دشمن و رقیب و حریف بیرونی را می‌توان با اخلاق ملکوتی و برخورد عالی انسانی، از دشمنی منصرف کرد؛ نه تنها این کار ممکن است، بلکه حتی می‌توان او را به دوستی یکدل و صمیمی مبدل کرد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَشْوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ قَالَ الْحَسَنَةُ التَّقِيَةُ وَالسَّيِّئَةُ الْإِذَاعَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةً كَانَهُ وَلِيٌّ حَيِّيٌّ»^۳ هرگز نیکی و بدی یکسان نیست. بدی را با نیکی دفع کن. ناگاه خواهی دید همان کس که میان تو و او دشمنی است گویی دوستی گرم و صمیمی است.» نمونه بسیار زیبای این اخلاق را می‌توان در سیره پیشوایان معصوم جست و جو کرد. در این زمینه، قصه مرد شامی و برخورد دگرگون‌کننده امام حسن مجتبی علیه السلام معروف و بسیار درس‌آموز است.

۱. وزابن ابی‌فراز، *مجموعه وزام*، ج ۱، ص ۵۹.

۲. *الفقه المنسوب للإمام الرضا* علیه السلام، ص ۳۸۰.

۳. سوره فصلت، آیه ۳۴.